



امکان‌سنجی استناد به تئوری تعدیل در حقوق ایران به عنوان راهکاری در تعذر قراردادی - روش‌نعلی شکاری، سید مصطفی میلانی
حمایت کیفری از حقوق نسل‌های آینده در اسناد بین‌المللی - عادل ساریخانی، مصطفی کرمی پور
تحلیل حق نظارت مردم بر حکومت از دیدگاه علی (علیه السلام) با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - ابراهیم موسی زاده،
محمد صالحی

تاملاتی در تشریح قسامه با توجه به علوم جرم‌یابی - محمدعلی حاجی ده‌آبادی، روح‌الله شمشیری
بازخوانش تعاملات (برخی گروه‌های مذهبی و بازیگران نظام بین‌الملل) حوزه تروریسم به عنوان وسیله دستیابی به منافع ملی با
تاکید بر مسئولیت‌های حقوقی در کشورهای اسلامی - سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، عارفه کردی نسب،
نفیسه طوسی، آیدا قاسم زاده

اصل منع اعاده پناهندگان از منظر اسناد حقوق بشری با تأکید بر پناه‌جویان زیست‌محیطی - مهناز خرسندی، عسکر جلالیان
خطرات اولویت یافتن مسائل مادی در مشاغل حقوقی - محمد ستایش‌پور، مریم فرجی ترک
احکام و آثار اذن در نظام حقوقی ایران و فرانسه - حسن نجارها
مقایسه رکن مادی جرم کلاهبرداری رایانه‌ای با سنتی - علی پایدارفرد، جواد نادری عوج بغزی، احمدرضا امتحانی
مبانی نظری حاکم بر کنترل تسلیحات نظامی با تأکید بر مواضع متعارض سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت
تسلیحات نظامی متعارف - پوریا ابراهیم زاده، سمیه رحمانیان

کودک و کودکی از منظر فلسفه و ادبیات - مریم شعبان
اعتبار امر مختوم در دعاوی مدنی و کیفری - امیر محمدی، محمدمهدی حیدری، سهیلا مرادی قلعه
جایگاه شعب تخصصی کوزوو در نظام عدالت کیفری جهانی - مصطفی فضائی، آرش ملک
جرم‌انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران - سعید اسدزاده، فاطمه احدی، مجتبی کنجوری
اقدامات شرکت‌های خارجی بابت استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی در دفاع مقدس از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی -
محمد ستایش‌پور، پرینان شفانی

مروری جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی نسبت به پدیده روسپیگری در نظام بین‌الملل و ایران با تأکید بر آموزه‌های جرم‌شناسی
اسلامی - سید محمدرضا موسوی فرد، اسد اخضری فرد، علی مردان احمدی
تعامل پلیس با نهادهای پیشگیری از جرم - مینا مومنی، سید مهدی احمدی موسوی
حقوق کودکان مهاجر در اسناد ملی و بین‌المللی - رضا خواجه نورالدینی، سیده پریسا میرابی
صلاحیت واقعی قوانین کیفری از منظر حقوق اسلام - مصطفی کرمی پور، مونا رجب زاده باغی
بررسی تغییر از جرائم خیابانی به جرائم سایبری در آغاز همه‌گیری کووید-۱۹ - رویکردی به نظریه فعالیت‌های روزانه - مریم کمائی
جایگاه مأمورین امنیتی انگلستان در کشف جرایم - زهرا وهبی، آرش رزمی

استقلال قضات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پرتو آموزه‌های دین‌مبین اسلام - محمد ستایش‌پور، فاطمه زهرا آسیان
شرایط قانونی و ابعاد حقوقی و کیفری مالکیت فکری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران - سمیه زیلابی، صادق فتیلی، ابراهیم مقدم
امکان‌سنجی تحقق ایده جرم‌انگاری (جرم مسئولیت مدنی مدیران) از تئوری تا عمل بر اساس رویکردهای مدل مسئولیت کیفری
قانون اقدام راهبردی لغو تحریم‌ها - سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، نفیسه دهرویه، محمدرسول انصاری نیا،
ندا حقیقی

ارزیابی فقهی-حقوقی تعدد واقعی در حدود، قصاص و دیات - علی محمدی جورکویه، احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی
جایگاه و نقش مردم در استقرار و استمرار نظام امت و امامت در پرتو آراء شهید بهشتی - محمدصادق داریوند
میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا - صادق فتیلی، محمد فتیلی، ابراهیم مقدم



The Independence of Judges in the Legal System of the Islamic Republic of Iran in the Light of the Teachings of Islam

Mohammad Setayesh Pur
Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran

Fatemeh Zahra Asian
Master's student in Public Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran (Corresponding Author)

استقلال قضات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پرتو آموزه‌های دین مبین اسلام

محمد ستایش پور
استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
!! HYPERLINK "mailto:mohammadsetayeshpur@yahoo.com"
<http://orcid.org/0000-0001-9647-9391>

فاطمه زهرا آسیان
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
(نویسنده مسئول)

fatemehzahaasian@gmail.com

Abstract

The principle of judicial independence is mainly defined in such a way that the judiciary and judges declare their votes freely and independently from outside influence and influences and issue judgments based on the law and reality. Observance of the principle of independence of judges in international documents and the Constitution of Iran in the judicial system is specified by the judicial system as a Citizens' complaint authority against violations that threaten their rights. The independence of the judiciary is the main condition for the correct performance of the duties of the judges and not deviating from the method of fair proceedings. The basic condition for achieving judicial independence is the independence of the judiciary from other government institutions, observing the principle of separation of powers. Now, we will explain the concept of independence, the individual independence of judges and the structural independence of the judiciary, and examine the status of independence in international documents and the legal system of Iran. In this article, according to the nature of the subject, with analytical-descriptive method, an attempt has been made to examine the status of this principle in Iran's legal system by looking at international documents and Islamic religion, and to the questions in this regard, including what is the concept of independence, Jurisprudence, foundations and scope of this principle should be answered.

Keywords: Judicial Independence, Fair Trial, Constitutional Law.



چکیده

اصل استقلال قضایی عمدتاً بدین گونه تعریف می‌شود که قوه قضاییه و قضات به صورت آزاد و مستقل از اعمال نفوذ و تأثیرپذیری‌های بیرونی اعلام رای کرده و براساس قانون و واقعیت به صدور حکم بپردازند؛ رعایت اصل استقلال قضات در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی ایران در تشکیلات قضایی تصریح شده دستگاه قضایی مرجع نظم خواهی شهروندان در مقابل تعدیاتی است که حقوق آن‌ها را با تهدید مواجه می‌سازد. استقلال دستگاه قضا شرط اصلی صحت انجام وظایف قضات و منحرف نشدن از روند دادرسی منصفانه است. شرط اساسی حصول به استقلال قضایی، استقلال مجموعه دادگستری از دیگر نهادهای حکومتی، با رعایت اصل تفکیک قوا است. اکنون، به تبیین مفهوم استقلال، استقلال فردی قضات و استقلال ساختاری قوه قضاییه، به بررسی وضعیت استقلال در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران خواهیم پرداخت. در این مقاله با توجه به ماهیت موضوع، با روش تحلیلی-توصیفی، تلاش گردیده تا وضعیت این اصل در نظام حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی و دین اسلام مورد بررسی قرار گیرد و به سؤالات موجود در این رابطه از جمله چیستی مفهوم استقلال قضایی، مبانی و گستره این اصل پاسخ داده شود.

واژگان کلیدی: استقلال قضایی، دادرسی عادلانه، قانون اساسی، غنای اسلام.

Received: 2022/08/06 - Review: 2022/09/10 - Accepted: 2022/11/08

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷

<p>ارجاع: ستایش پور، محمد؛ آسیان، فاطمه زهرا؛ (۱۴۰۱)، استقلال قضات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پرتو آموزه‌های دین مبین اسلام، شماره ۱۲.</p>
<p>Copyrights: Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.</p>



مقدمه

حق بر دادرسی عادلانه از اساسی‌ترین حقوق بشری به شمار می‌رود که در دادرسی‌های جزایی به وسیله چند حق عینی شناخته می‌شود: مثل حق بر بی‌گناه فرض شدن متهم، حق بر دفاع توسط خود فرد یا وکیل، حق بر دادرسی بدون تأخیر و حق بر حمایت در مقابل عطف به ماسبق شدن قوانین جزایی، اما رعایت چنین تضمین‌هایی در همه پرونده‌ها و شرایط، دادرسی عادلانه را تضمین نمی‌کند. حق بر دادرسی عادلانه وسیع‌تر از مجموعه تضمینات فردی است و به رفتار و عمل تشکیلات دادرسی و دادگاه نیز بستگی دارد. به همین دلیل اصل استقلال و بی‌طرفی در دادرسی یکی از اصول مهم تضمین حق بر دادرسی عادلانه است. لذا این اصل در همه نظام‌های حقوقی جا افتاده و در همه اسناد مهم منطقه‌ای و جهانی حقوق بشر مورد اشاره قرار گرفته است (کسسه، ۱۳۸۷، ۱۱۵).

استقلال قضایی از مسائل بنیادین حقوق عمومی می‌باشد؛ زیرا که اعتماد عمومی به حکومت، تحقق حکومت قانون و دادرسی عادلانه، در هر جامعه تا حدود زیادی وابسته به میزان استقلال قضایی است. نهادینه شدن جریان مردمی و حکومت مردم سالار، به تثبیت و ترویج حاکمیت قانون و قانونگرایی ارتباط دارد و از جهت دیگر، در جهت تثبیت فرایند فرهنگ قانونگرایی، استقلال قضایی از پیش فرض‌های مهم این امر به شمار می‌رود. به بیان دیگر، حکومت مردم سالار با مفهوم استقلال قضایی و توانایی دادگاه‌ها در جلوگیری از سوءاستفاده از نفس قدرت و نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین مردم پیوندی ناگسستنی دارد

(امیری و ویژه، ۱۳۹۳، ۳۹). با فقدان جریان استقلال قضایی، حتی در صورت وجود تمام شرایط حق بر دادرسی منصفانه، متصور می‌باشد که دادگستری بازیچه‌ای بیش نزد حاکمان و قدرتمندان نخواهد بود. اولین شرط رسیدن به دادرسی منصفانه وجود سیستم قضایی مستقل و کارآمد است تا امور قضایی نظم یابد و مردم انتظار شکل‌گیری همه‌جانبه دادرسی منصفانه در تمام ابعاد آن را داشته باشند. اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که برخی تمام جوانب دسترسی به دادرسی منصفانه و عادلانه را در برابر دادگاه مستقل و بی‌طرف معنا می‌کنند (پروین، ۱۳۹۵، ۳۳۵).

در مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش اساسی می‌باشیم که اصطلاح استقلال قضایی اساساً واجد چه مفهومی می‌باشد؟ از این پرسش اساسی یک سؤال فرعی استخراج می‌شود که آیا این مفهوم صرفاً قوه قضاییه را دربرمی‌گیرد یا شامل قاضی نیز می‌شود و به عبارتی دایره شمول این مفهوم به چه صورتی است؟ فرضیه اصلی این مقاله عبارت است از این که استقلال قضایی به معنای آن است که عوامل بیرونی و درونی بر نحوه قضاوت قضات و عملکرد قوه قضاییه تأثیری وارد نکنند. فرضیه فرعی در این مقاله نیز مفهوم استقلال قضایی را مفهومی دربرگیرنده هر دو جنبه می‌داند. چرا که چنین شمولی هم برای قاضی و هم برای قوه قضا قابل تصور بوده و می‌توان برای هر دوی این جنبه‌ها مصادیق عینی را در نظر گرفت. ما در این تحقیق از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده کرده‌ایم.

۱- مفهوم استقلال قضایی

استقلال در لغت به معنای عدم وابستگی، تحت نفوذ چیزی یا جایی بودن، ضابط امر خویش بودن و به خودی خود به کاری بر ایستادن بدون شرکت دیگری می‌باشد و در واقع به معنای «آزادی از تأثیر، فارغ از تأثیر» و «تحت کنترل دیگری نبودن» است (Collin, 2004, 152). استقلال قضایی به این اشاره دارد که قضات، نویسندگان تصمیم‌های خودشان هستند و این که آن‌ها باید آزاد از هر تأثیر نامناسبی باشند. البته در مقررات بین‌المللی حقوق بشر مربوط به دادرسی عادلانه و نیز در مقررات دادگاه‌های کیفری بین‌المللی که استقلال و بی‌طرفی دادگاه یا قضات شرط شده، واژه استقلال به طور صریح تعریف نشده است، و آنچه مکرراً بیان گردیده، این است که دعاوی مدنی یا اتهامات کیفری باید توسط دادگاه یا دیوانی مستقل و بی‌طرف رسیدگی شود، یا آن که قضات باید مستقل باشند. لیکن با توجه به تضمین‌هایی که برای استقلال پیش‌بینی شده و یا موانعی که برای آن بر شمرده شده است، می‌توان مفهوم آن را به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی یا اجرایی تعبیر نمود (فضائلی، ۱۳۸۷، ۱۸۰).

«استقلال» در دو اصل صحیح «قلت» و «انزعاج»، (برخواستن و عدم استقرار)، (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۵) معنای حقیقی و در سایر معانی، مجاز است (زمخشری، ۱۹۷۹م، ۵۲۱). در دوره‌های نخست به معنای بردن، گذشتن، ارتفاع و نقیض استکثار (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۲۶) و (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۲۳۲) و بعد از حدود قرن دهم در معنای استوار ماندن در رأی خود، انقطاع و افراد به کار رفته است (صینی، ۱۴۱۴ق، ۷). این واژه در روایات مانند دعای بیستم صحیفه سجادیه و الوافی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۱۰۹) تا قرن دهم، به معنای قلت آمده و در معانی دیگر استعمال نشده است. این واژه در زبان فارسی نیز به معنی «به خود به کاری استادن، بی شرکت دیگری...» است (شاد، ۱۳۶۳، ۲۷۴) که معنای مورد نظر در این مقاله است.

در فرایند قضاوت صحیح، استقلال، بی طرفی و عدالت تعابیر نزدیکی هستند که نتیجه واحدی را دنبال می‌کنند. البته استقلال، لازمه قضاوت عادلانه است و زمانی قضاوت به عدالت متصف می‌گردد که مراحل فرایند دادرسی، در عین بی طرفی، از کشش‌های ناروای درونی، سازمانی، اجتماعی و سیاسی نیز پیراسته باشد. عدالت نسبت به استقلال مفهوم عام به حساب می‌آید. همچنانکه در فقه و سیره اهل بیت با رجوع به قضات منتسب به حاکم جور (به خاطر وجود بسترهای بینشی ناروا) مورد نهی قرار گرفته است. چنین قضاوتی هیچ گاه نمی‌تواند عادلانه باشد. مانند روایت امام صادق علیه که فرمود: مبدا کسی از شما (شیعیان) برای دادرسی، دیگری را به نزد اهل جور و ستم ببرد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳)^۱. همچنین ایشان می‌فرماید: هر مؤمنی، مؤمن (دیگر) را در خصومتی، به قاضی یا سلطان جائر بکشاند پس آن قاضی یا سلطان جائر، به غیر حکم خدا، قضاوت کند، به یقین با آن قاضی یا سلطان جور، در آن گناه شریک است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲۱۹)^۲.

با این که استقلال (که گاهی بی طرفی قاضی نیز تعبیر می‌شود) می‌تواند از مهم‌ترین ویژگی‌های داوری باشد ولی در متن قانون اساسی نه تصریحی به آن شده و نه تعریفی درباره آن آمده است (امیری و ویژه، ۱۳۹۳، ۳). با این وصف، استقلال قوه قضاییه در اصل یک صد و پنجاه و ششم قانون اساسی می‌تواند در محمل مصداقی قضات متجلی گردد. طبق مواد ۳، ۳۹ و ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، استقلال و بی طرفی از لوازم اجتناب‌ناپذیر امر قضا به شمار می‌رود. فارغ از بحث ترادف یا تعابیر «استقلال» با «بی طرفی»، استقلال قاضی به معنی تحت نفوذ طرفین نبودن و توانایی تصمیم‌گیری و

۱- ایاکم أن یحاکم بعضکم بعضا إلى أهل الجور

۲- أما مؤین قدم مؤینة فی خصومه إلى قاض أو سلطان جائر قضی علیه بغیر حکم الله فقد شرکه فی اهثم

صدور آزادانه حکم است (توکلی، ۱۳۹۵، ۲۱۲) که این آزادی در دایره قوانین و تحلیل منطقی خود از داده‌های به دست آمده و به معنی عدم تأثیر و تأثر هرگونه نفوذ فشار بیرونی و درونی است. استقلال قضایی نیز در معنای آزادی قاضی است تا در مقابل هرگونه اعمال نفوذ و مداخله قوای سیاسی و اصحاب دعوا، توانایی عدم اعمال نفوذ را داشته باشد. (امیری و ویژه، ۱۳۹۳، ۳).

۲- جنبه‌های استقلال قضایی

دادرسی عادلانه با هدف تحقق محاکمه‌ای در خور شأن و کرامت انسان در معاهده‌های بین‌المللی متعددی مورد تأکید قرار گرفته است. از میان تضمینات عمومی دادرسی عادلانه می‌توان به اصل استقلال دادگاه و قضای رسیدگی‌کننده اشاره کرد. استقلال قضایی نه تنها باید در محاکمه‌های کیفری مورد تأکید قرار گیرد، بلکه رسیدگی‌های حقوقی نیز باید تحت نفوذ این اصل واقع شود که خود این امر، قابل تقسیم به استقلال نهادی و فردی است. استقلال فردی به دنبال تعیین حدود استقلال برای شخص قاضی است؛ درحالی‌که استقلال نهادی در پی تأمین استقلال دستگاه قضایی به‌عنوان قوه‌ای مستقل از قوای مقننه و مجریه است. در تعیین استقلال مورد نظر می‌توان به اصول بنیادین مصوب هفتمین کنگره سازمان ملل متحد پیرامون منع جرم و رفتار با متخلفان در سال ۱۹۸۵ اشاره کرد که خود می‌تواند راهنمای قانون‌گذاران و مسئولان قضایی و اجرایی قرار گیرد؛ یعنی اصولی همچون آزادی بیان و اجتماع، تعیین صلاحیت‌ها، گزینش و آموزش، شرایط خدمت و دوره تصدی، رازداری حرفه‌ای و مصونیت، تنبیه و تعلیق (میرزاده کوهشاهی و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۷۰).

براساس قانون اساسی و بنا بر اصل تفکیک قوا در کشور ما قوه قضاییه کمتر به نهادهای دیگر وابسته شده است. گرچه وضع قوانین متقن دارای جایگاه ویژه‌ای است، اما اجرای آن به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردار است. از این رو برای این که قضات در دستگاه قضایی بتوانند کار ویژه خود را در یک نظام مستقل انجام دهند نیازمند بسترهای مناسبی است. از جمله آن‌ها استقلال از قوه مقننه به ویژه در قضیه تفسیر قانون است. اما با توجه به این که قانون در برخی موارد نارسا و مبهم است و گاهی قاضی مجبور است دست به تفسیر آن بزند، لهذا در این جا نقش اخلاق و وجدان قاضی آشکار می‌شود که چگونه در مقام تفسیر قانون جانب عدالت را رعایت کند. همچنین وجه دیگر استقلال این است که، هیچ کس نمی‌تواند در چگونگی مدیریت فرایند دادرسی و نحوه انجام وظایف دادگاه مداخله کند. بنابراین این قاضی است که با استنباط عادلانه خود، به استقلال قضایی منشاء ظهور و بروز می‌دهد که ریشه در رفتار درونی وی

دارد و اگر دچار خطا و یا مسامحه گردد، متظلم را از دسترسی به دادرسی عادلانه محروم خواهد کرد. برای تحقق استقلال قضایی، لازم است که ساختار مستقل برای قوه قضاییه و همچنین سازوکارهایی جهت تضمین استقلال فردی قضات وجود داشته باشد. بنابراین استقلال قضایی دارای دو جنبه استقلال ساختاری نهاد قضا و استقلال فردی قضات است (امیری و ویژه، ۱۳۹۳، ۴).

۱-۲- استقلال ساختاری نهاد قضایی

نخستین سازوکار تضمین استقلال قضایی، تضمین استقلال ساختاری نهاد قضایی است. ساختار دستگاه قضایی باید به نحوی پیش‌بینی شده باشد که ضامن استقلال قضات دادگاه‌ها در برابر دخالت و نفوذ ناروای قوه مجریه، قوه مقننه و مقامات عالی قوه قضاییه باشد. استقلال ساختاری دستگاه قضایی از دو جنبه استقلال درون سازمانی و استقلال برون سازمانی قابل بررسی است. منظور از استقلال درون سازمانی، نفی سلسله مراتب اداری در درون قوه قضاییه و منظور از استقلال برون سازمانی، استقلال و تفکیک کارکرد دستگاه قضایی در برابر سایر قوای حکومتی است که با رعایت اصل تفکیک قوا محقق می‌گردد (امیری و ویژه، ۱۳۹۳، ۵).

۲-۲- استقلال فردی قضات

قضات به طور فردی و در اجرای وظایف حرفه‌ای شان باید استقلال داشته باشند. این استقلال بدین معنی است که آن‌ها حق و وظیفه دارند براساس قانون و فارغ از هراس یا تلافی یا انتقادهای شخصی در مورد پرونده‌ها تصمیم‌گیری کنند. این وضعیت حتی در مواردی که قاضی باید در مورد پرونده‌های حساس و مشکل رأی صادر کند، صادق است. متأسفانه همیشه به قضات اجازه داده نمی‌شود که با استقلال کامل عمل کنند و در بسیاری از کشورها قضات با انواع فشارها روبه‌رو هستند؛ فشارهایی از جمله آزارهای شخصی، تهدید انتقال یا اخراج و حتی حملات خشونت‌بار و مرگبار علیه جان آن‌ها (نوری نشاط و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۹۶). در این قسم از صلاحیت، شخص قاضی به‌عنوان یک انسان و فارغ از دستگاه ذریبط وی مورد بررسی قرار می‌گیرد، ولی در بررسی انجام شده باید شخصیت حقوقی وی نیز مورد توجه باشد، زیرا این نگاه معطوف به قاضی بما هو قاضی است. استقلال فردی قاضی را می‌توان قاعده‌ای تعریف کرد که در آن بر عدم ارتباط بین قاضی و اشخاص دیگری که به موجب قانون یا با عرف اداری دارای اختیاراتی هستند که بتوانند در برخی تصمیمات وی تزلزل ایجاد کنند، تصریح شده باشد (روستایی حسین آبادی و علی نژاد، ۱۳۹۵، ۲۵).

۳- اصل استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران

اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی با اشاره به عنصر استقلال قوه قضاییه، بیان می‌دارد: «قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت... است.» همچنین صدر ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به استقلال مراجع قضایی اشاره دارد و با الهام از معاهده‌های بین‌المللی و اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی بیان می‌دارد: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ کنند». ماده ۶۰۵ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیز با جرم انگاری خروج قاضی از مقوله استقلال، بر حق دسترسی به قاضی و دادگاه مستقل صحه گذارده و در زمینه «اظهارنظر یا اقدام» قضات که «از روی غرض و برخلاف حق درباره یکی از طرفین» صورت گیرد، حبس تا سه ماه یا مجازات نقدی و جبران خسارت وارده را در نظر گرفته است.

قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ نیز در موارد متعددی، عدم رعایت بی‌طرفی و استقلال در رسیدگی قضایی را موجب تخلف انتظامی دانسته است؛ از جمله در بند اول ماده ۱۵ «صدور رأی غیرمستند یا غیرمستدل» یا بندهای دوم و سوم ماده ۱۶ که «خودداری از اعتباردادن به مفاد اسناد ثبتی بدون جهت قانونی» و «خودداری از پذیرش مستندات و لوایح طرفین و وکلای آنان» به‌عنوان تخلفات انتظامی قابل پیگیری است. نقطه عطف تأکید این قانون بر استقلال قضایی در بند چهارم ماده ۱۷ «خروج از بی‌طرفی در انجام وظایف قضایی» بیان شده است که در تبصره ماده ۱۸ به صورت تفصیلی متبلور است. گفتنی است الزام قاضی به رعایت استقلال به حدی برای قانون‌گذار مهم بوده است که مجازات‌های انتظامی سنگین درجه هشت (انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه) تا درجه سیزده (انفصال دائم از خدمات دولتی) را در نظر گرفته است.

ماده ۵۷ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵، در این رابطه اعلام می‌دارد: «اصل بر براءت است و هیچ کس مجرم شناخته نمی‌شود مگر این که اتهام او در دادگاه‌های صالح و با رعایت اصول دادرسی عادلانه از جمله اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات، استقلال و بی‌طرفی مرجع قضایی و قضات... اثبات شود.» صرف نظر از جایگاه این منشور در نظم حقوقی ایران، با توجه به این که مواد این منشور اصولاً با ارجاع به قوانین موضوعه ایران (اعم از قانون اساسی یا قوانین عادی) نگاشته شده است، می‌توان آن را بازتابی از حقوق موضوعه ایران انگاشت که شمایی کلی از جبهه‌گیری قوه مجریه در زمینه حقوق بشر را

به نمایش می‌گذارد. در رابطه با ممیزه اصلی ماده فوق با مصوبات قانون اشاره شده می‌توان گفت این ماده به درستی به تفکیک استقلال «مراجع قضایی» و «استقلال قضات» پرداخته است که در واقع بیان‌کننده همان «استقلال نهادی» و «استقلال فردی» به‌عنوان عناصر متشکله استقلال قضایی است.

در ماده ۶ سند امنیت قضایی مصوب ۱۳۹۹ رییس قوه قضاییه، به موضوع استقلال قضایی اشاره شده است. این مصوبه نیز همانند ماده ۵۷ منشور حقوق شهروندی، استقلال نهادی قوه قضاییه را از استقلال فردی قضات به صورت مجزا ترسیم کرده است. حسب بند الف این ماده، «استقلال قضایی پیش شرط تحقق امنیت قضایی و تضمین اساسی برای رسیدگی عادلانه» تعریف شده است. در ادامه، ضمن استناد به اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی به صراحت بر این موضوع تأکید شده است که قوه قضاییه از هرگونه اعمال نفوذ اشخاص، نهادها و دیگر قوا مصون است. در بند ب همین ماده، استقلال فردی قضات با این وصف که «قضات در تصمیم‌گیری‌های خود در تمام مراحل دادرسی مستقل هستند و هرگونه اعمال فشار از جمله جابه‌جایی اجباری موضوع اصل یکصد و شصت و چهارم قانون اساسی و منع دیگر حقوق قانونی بر آنها ممنوع است.» مورد توجه قرار گرفته است (میرزاده کوهشاهی و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۵۱).

برای رسیدن به این هدف، قاضی بایست ضمن استقلال مادی، دارای خودباوری، استقلال فکری و آزاداندیشی هم داشته باشد و لازم است که از وابستگی به جناح‌های سیاسی و درگیر در حاکمیت پرهیز کند. استقلال قوه قضاییه به معنای استقلال از حکومت و قدرت حاکمه است (اصل یکصد و پنجاه و ششم)؛ یعنی به رغم این که رییس حکومت عالی‌ترین مقام قوه قضاییه را نصب می‌کند، نمی‌تواند به او بگوید در رسیدگی به دعاوی این گونه عمل کن بلکه عمل او باید براساس قانون باشد. استقلال قاضی هم به این معنا است که به رغم آن که رییس قوه قضاییه او را منصوب می‌کند، اما نمی‌تواند بگوید این گونه قضاوت کن؛ بلکه قضاوت او باید مستند به قانون باشد. استقلال قوه قضاییه در اصل پنجاه و هفتم، مانند سایر قوا است و مزیتی از این لحاظ بر سایر قوا ندارد، اما براساس اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی قوه قضاییه باید مستقل از حکومت باشد و بتواند عالی‌ترین مقام‌های کشور را مورد بازخواست قرار دهد. به رغم تأکید قانون اساسی، به وجود چنین استقلالی، با توجه به قاعده (الجمع مهما أمکن اولی من الترتک)، رعایت مصلحت نظام اسلامی اقتضاء دارد که قوه قضاییه، با حفظ استقلال به نظارت‌های قانونی مندرج در اصول یکصد و سیزدهم و هفتاد و ششم تن در دهد و در تعامل با سایر قوا، مانع امکان برخورد قوا و از بین رفتن نیروهای سازنده‌ای بشود که در جهت تعالی نظام اسلامی باید به کار روند (حیب زاده، ۱۳۸۳، ۱۴۴).

۴- اصل استقلال قضایی در دین اسلام

اصل استقلال قضایی در قرآن هم متجلی است و به آن اشاره شده است؛ در آیه ۱۳۵ سوره نساء آمده است که: ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد، (برای هر کس شهادت می‌دهید) اگر فقیر باشد یا غنی، خدا به (رعایت حقوق) آن‌ها اولی است، پس شما (در حکم و شهادت) پیروی هوای نفس نکنید تا مبادا عدالت نگاه ندارید و اگر زبان را (در شهادت به نفع خود) بگردانید یا (از بیان حق) خودداری کنید خدا به هر چه کنید آگاه است.^۳ نشان نزول این آیه بدین ترتیب می‌باشد که شیخ طوسی به نقل از سدی می‌گوید که: این آیه درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردید در موردی که یک مرد فقیر و یک مرد غنی برای دفع مخاصمه نزد وی آمده بودند. پیامبر توجه خود را به طرف فقیر نموده بودند به خیال خود که فقیر به غنی ظلم و ستم روا نخواهد داشت ولی خداوند ابا و امتناع فرمود و می‌خواست که قیام به قسط و عدل و داد از طرف رسول خود درباره هر دو بشود (محقق، ۱۳۸۴، ۲۵۲).

«اشعث بن قیس» فردی منافق و عامل بسیاری از مفاسد و اختلافات در دوران کوتاه خلافت حضرت علی (ع) بود. اشعث با کسی اختلافی داشت و پرونده این اختلاف نزد حضرت علی (ع) بود و قرار بود روز بعد در مورد آن قضاوت کند که اشعث نیمه‌های شب به قصد رشوه‌دادن مقداری حلوا برای امام علی (ع) آورد تا نظر ایشان را به سوی خود جلب کند، امام علی (ع) فرمود: «واعجباً! این کوبنده درب، ظرف کادو کرده و شیره تلخ‌کننده را که گویی با آب دهان یا زهرمار آمیخته، پیشکش ما کرده! به او گفتم: جایزه است؟ صله است؟ زکات است؟ گفت: هدیه است. گفتم: وای به حال تو، آیا آمده‌ای مرا بفریبی و از دین خدا گمراه سازی». در این باره حضرت می‌فرماید: از سرگذشت عقیل شگفت‌آورتر داستان کسی است که نیمه شب ظرفی سرپوشیده پر از حلوی خوش طعم و لذیذ به درب خانه ما آورد؛ ولی این حلوا معجونی بود که من از آن متنفر شدم. گویا آن را با آب دهان مار خمیر کرده بودند! لذا نگاه تندی به او افکندم و گفتم: آیا این کاسه حلوا رشوه است؟ یا صدقه؟ یا زکات؟ علی، نه اهل رشوه است تا به سبب رشوه برخلاف حق قضاوت کند و نه اهل صدقه و زکات که این‌ها بر بنی هاشم حرام است. اشعث که از این برخورد قاطع و تند امیر زمامداران، دست و پای خود را گم کرده بود، گفت: نه، هیچ کدام نیست و

۳- یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَرْتُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

هدیه است! هر مسلمانی حق دارد به مسلمان دیگر هدیه دهد. حضرت که چهره هزار رنگ اشعث را می‌شناخت و به نیت واقعی او آگاه گشته بود، فرمود: اشعث! آیا دیوانه شده‌ای؟! یا عقلت را از دست داده‌ای؟! تو نیمه شب با این کاسه حلوا می‌خواهی علی را بفریبی و او را به ظلم دعوت کنی تا فردا به نفع تو حکم دهد! اشعث تو مرا با خود مقایسه کرده‌ای! بگذار تا خود را بشناسانم: اشعث این حلوا که سهل است چون این حلوایی که من دیدم، گویا با آب دهان مار مخلوط گشته [اگرچه ظاهری زیبا دارد؛ ولی باطنش بسیار کثیف است] به خدا قسم اگر آسمان‌های هفت گانه را به علی دهند تا بر مورچه‌ای ظلم کند، چنین نخواهد کرد. حضرت پس از بیان این داستان عجیب، جمله‌ای بسیار زیبا و سرشار از عدالت می‌گوید که جز امام علی (علیه السلام) کسی نمی‌تواند بر زبان آورد. فرمود: به خداوند سوگند! اگر اقلیم‌های هفت گانه با آنچه در زیر آسمان‌ها است [همه جهان هستی] را به من بدهند که خداوند را با گرفتن پوست جویی از دهان مورچه‌ای نافرمانی کنم، هرگز چنین نخواهم کرد! [چرا که] دنیای شما، از برگ جویده‌ای که در دهان ملخی باشد نزد من خوارتر و بی‌ارزش‌تر است^۴ (علیان نژادی و مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

۵- اصل استقلال قضایی در اسناد بین‌المللی

اصلی‌ترین سند موجود در این زمینه، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ است. در ماده ۱۰ این اعلامیه آمده است: «هر کس حق دارد دعوایش... به وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرف، رسیدگی شود.» همچنین در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۹ که اصول دادرسی منصفانه در آن آمده است، ذیل بند اول حق دسترسی به دادگاه مستقل و بی‌طرف به رسمیت شناخته شده است: «... هر کس حق دارد به دادخواهی او... در یک دادگاه صالح و مستقل و بی‌طرف... رسیدگی شود.» بند اول ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ۱۹۵۰ در رابطه با حق بر دسترسی به دستگاه قضایی مستقل مقرر می‌دارد: «هر شخص حق دارد از یک جلسه استماع دادرسی... توسط دادگاه قانونی مستقل و بی‌طرف برخوردار باشد» (میرزاده کوهشاهی و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۴۹).

بند اول ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام مصوب ۱۹۸۱ دسترسی به دادگاه مستقل را حقی همگانی تصور کرده است و بدین شرح بر آن تصریح می‌دارد: «هر فرد حق رسیدگی به دعوی خود را دارد، این حق مشتمل است بر... حق آن که ظرف مدت معقول در دادگاه یا دیوان مستقل محاکمه شود.»

۴- وَ اللَّهِ لَوْ أُعْطِيتُ الْأَقْلِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْئَالِكُمْ عَلَى أَنْ أُغْصِيَ اللَّهُ فِي نَمْلَةٍ أَسْلَبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ، وَإِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا

بر اساس ماده ۲۶ همین منشور: «کشورهای عضو منشور وظیفه دارند استقلال دادگاه‌ها را تضمین کنند.» در نهایت بند اول ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ در راستای ایجاد وظیفه برای اعضاء مقرر داشته است: «هر کس حق دارد با تضمین‌های مناسب و معقول برای ارائه دلیل در مورد اتهام جزایی وارد بر وی یا برای تعیین حقوق و تعهدات مدنی، کاری، مالی یا غیر آن به وسیله دادگاهی صالح، مستقل و بی طرف که قبلاً توسط قانون ایجاد شده است، محاکمه شود.» سازمان عفو بین‌الملل در این زمینه اظهار می‌دارد: «اصول دادرسی عادلانه برای حمایت از حقوق بشر در طول موقعیت اضطراری، مهم و حیاتی است و هرگز نباید معلق شود. همچنین بسیار مهم است که در طول شرایط اضطراری قوه قضاییه مستقل باشد و از صلاحیت نامحدود برای انجام وظیفه طبق قوانین ملی و بین‌المللی برخوردار باشد» (ویسبرت و بایرون، ۱۳۸۶، ۲۷۲).

در این باره شایسته توجه است که در حقوق بین‌الملل کیفری مباحث مربوط به استقلال و بی طرفی قضایی بعد از محاکمه سران نازی در دیوان نورنبرگ و مجرمین ژاپنی در دیوان توکیو، برای اولین بار به طور جدی مطرح شد. دیوان به‌عنوان دیوان بین‌المللی کیفری دائمی در سال ۲۰۰۲ شروع به کار کرد. برخلاف دیوان‌های موقت بین‌المللی، خصیصه دائمی بودن، صلاحیت تکمیلی و سازوکارهای در نظر گرفته شده برای اعمال صلاحیت این دیوان، ضرورت توجه به آن را بیش از گذشته با اهمیت می‌نماید. بخشی از دیباچه اساسنامه رم تصریح می‌کند: «با در نظر گرفتن این که در طول قرن حاضر میلیون‌ها کودک، زن و مرد قربانی فجایع و ددمنشی‌های غیر قابل تصویری شده‌اند که وجدان بشریت را به شدت تکان داده است، دولت‌ها مصمم هستند که به مصونیت مرتکبان این جرائم پایان دهند و از وقوع جرائم مشابه پیشگیری کنند. همچنین مصمم به تضمین احترام دائم به اجرای عدالت بین‌المللی هستند.» بدیهی است اجرای عدالت کیفری بین‌المللی کاملاً وابسته به استقلال و بی طرفی دادرسان است، از این جهت ضروری است دستیابی به آن دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد. دادرسی قضایی بدون رعایت اصل استقلال و بی طرفی قاضی، دادرسی واقعی نیست و حاصلی جز بی اعتباری و هتک حرمت دادرسی قضایی بین‌المللی به بار نخواهد آورد. به نظر می‌رسد اساسنامه رم و دیگر قوانین و مقررات حاکم بر دیوان بین‌المللی کیفری با در نظر گرفتن اصول و معیارهای تأمین کننده استقلال قضایی تدوین یافته باشند. این مقررات سطح بالایی از حمایت از اصل استقلال قضایی را برای دیوان بین‌المللی کیفری و قضات آن مقرر داشته‌اند. اما این اندازه از حمایت، برای رسیدن به استقلال کامل هنوز فاصله بسیار دارد (جلالی و زیلابی، ۱۳۹۳).

نتیجه

اصل استقلال و بی‌طرفی در دادرسی یکی از اصول مهم تضمین حق بر دادرسی عادلانه و از مسائل بنیادین حقوق عمومی می‌باشد زیرا که اعتماد عمومی به حکومت و تحقق حکومت قانون وابسته به استقلال قضایی است. برای تحقق این استقلال لازم است که ساختار مستقلاً برای قوه قضاییه و سازوکارهایی برای تضمین استقلال فردی قضاوت وجود داشته باشد و از این حیث استقلال قضایی واجد دو جنبه استقلال ساختاری نهاد قضایی و استقلال فردی قضاوت می‌باشد. بدین معنا که ساختار دستگاه قضایی باید به گونه‌ای باشد که ضامن استقلال لحظات دادگاه‌ها در برابر دخالت و نفوذ سایر عوامل گردد و همچنین قضاوت به طور فردی و در اجرای وظایف حرفه‌ای شان باید استقلال داشته باشند و بتوانند فارغ از هر چیزی در مورد پرونده‌ها تصمیم‌گیری کنند.

در نظام حقوقی ایران اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی به عنصر استقلال قوه قضاییه اشاره کرده است و در سایر قوانین عادی و رویه‌های داخلی شاهد بازتاب این اصل هستیم. اصل استقلال قضایی در آیه ۱۳۵ سوره نساء متجلی شده است که با نظر به شان نزول و تفسیر آیه می‌توان حق بر دادرسی عادلانه و استقلال قضاوت را دریافت کرد. همچنین در سیره پیامبر و امامان می‌بینیم که در بحث قضاوت سختگیرانه عمل کرده‌اند و قضاوت فقط باید براساس عدالت و با رعایت بی‌طرفی نسبت به دو طرف صورت پذیرد و هر عامل بیرونی و درونی که منجر به تأثیر بر روند دادرسی شود را شدیداً نهدی می‌کنند.

در بسیاری از اسناد بین‌المللی هم این اصل رایج می‌باشد و تقریباً می‌توان گفت که این اصل در تمام نظام‌های حقوقی و چه در حوزه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی اصلی پذیرفته شده الزام آور است. اما با این حال مشاهده می‌شود که با وجود رواج بسیار این اصل در تمام قوانین و استناد به آن اما در زمینه عمل و انجام استقلال قضایی و ضمانت اجرای آن کوتاهی‌های بسیاری وجود دارد که نیازمند سیاست‌گذاری دقیق و اجرایی می‌باشد. پیشنهاد می‌شود که برای کمک به وضع موجود و پیشرفت در در زمینه استقلال قضایی بررسی‌هایی در زمینه آسیب‌شناسی دادگاه‌ها، دادرسی‌ها و عوامل مؤثر کمک‌کننده به آن‌ها صورت پذیرد.

منابع ملاحظیات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- قرآن کریم

فارسی

- امیری، محسن و ویژه، محمدرضا، ۱۳۹۳، اصول بنیادین ناظر بر تضمین استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به حقوق فرانسه، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، شماره ۳.

- پروین، خیرالله، ۱۳۹۵، **حقوق بشر از نظر تا عمل**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- توکلی، محمد مهدی، ۱۳۹۵، **نصب داور احکام و آثار آن**، تهران، انتشارات میزان.

- جلالی، محمود و زیلابی، سلمان، ۱۳۹۳، اصل استقلال قضایی در دیوان بین‌المللی کیفری، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، شماره ۲.

- حبیب‌زاده، محمدجعفر، ۱۳۸۳، آسیب‌شناسی نظام عدالت کیفری ایران، **مجله علوم اجتماعی و انسانی**، شماره ۲.
- روستایی حسین‌آبادی، یاسر و علی‌نژاد، احمد، ۱۳۹۵، استقلال قضایی پیش شرط دادرسی عادلانه،

مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۱۱.

- شاد، محمدپادشاه‌بن‌غلام، ۱۳۶۳، **فرهنگ آندراج**، تهران، انتشارات خیام.

- علیان‌نژادی، ابوالقاسم و مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۰، **داستان یاران**، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

- فضائلی، مصطفی، ۱۳۸۷، **دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی**، تهران، انتشارات شهر دانش.

- کسسه، آنتونیو، ۱۳۸۷، **حقوق کیفری بین‌المللی**، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، تهران، انتشارات جنگل.

- محقق، محمدباقر، ۱۳۸۴، **نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه**، چاپ اول، تهران، انتشارات اندیشه اسلامی.

- میرزاده کوهشاهی، نادر؛ قاضی‌زاده، حسین؛ شیرازی، محمد مهدی، ۱۳۹۹، تحلیل انتقادی عملکرد نظام حقوقی ایران

در زمینه مفهوم استقلال قضایی، **دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، شماره ۱۹.
- ویسبرت، دیوید و بیرون، فردریکسون، ۱۳۸۶، **دادرسی عادلانه**، ترجمه فریده طه و لیلی اشراقی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

عربی

- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، **معجم مقاییس اللغة**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ازهری، محمد، ۱۴۲۱ق، **تهذیب اللغة**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زمخشری، محمود، ۱۹۷۹م، **اساس البلاغه**، بیروت، دار صادر.
- شیخ صدوق، محمد، ۱۴۱۳ق، **من لا یحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- صینی، محمود اسماعیل، ۱۴۱۴ق، **المکنز العربی المعاصر**، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
- طوسی، محمد، ۱۴۰۷ق، **تهذیب الاحکام**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- فراهیدی، خلیل، ۱۴۰۹ق، **کتاب العین**، قم، انتشارات هجرت.
- فیض کاشانی، محمد، ۱۴۰۶ق، **الوافی**، اصفهان، کتابخانه امیر المؤمنین علی علیه السلام.

لاتین

- Collin, Peter, 2004, Dictionary of Law, Fourth Edition, Bloomsbury Publishing.

Feasibility of Referring to Adjustment Theory in Iranian Law as a Solution in Contractual Excuse - [Roshan Ali Shekari](#), [Sayyed Mostafa Milani](#)

Criminal Protection of the Rights of Future Generations in International Documents - [Adel Sarikhani](#), [Mostafa Karami Pour](#)

Analysis of the Right of the People to Control the Government from the Point of View of Ali (PBUH) by Looking at the Constitution of the Islamic Republic of Iran - [Ebrahim Musazadeh](#), [Mohammad Salehi](#)

Reflections on the Legislation of Oath (Qassameh) According to the Science of Criminalistics - [Mohammad Ali Hajjidehabadi](#), [Ruhollah Shamshiri](#)

Rereading Interactions (Some Religious Groups and Actors in the International System) the Field of Terrorism as a Means of Achieving National Interests with an Emphasis on Legal Responsibilities in Islamic Countries - [Sayyed Mohammadreza Mousavifard](#), [Hamidreza Norozian](#), [Arefeh Kordi Nasab](#), [Nafiseh Tosi](#), [Ayda GHasem Zadeh](#)

The Principle of Prohibition of Repatriation of Refugees from the Perspective of Human Rights Documents with Emphasis on Environmental Refugees - [Mahnaz Khorsandi](#), [Asgar Jalalian](#)

Dangers of Prioritizing Financial Issues in Legal Professions - [Mohammad Setayesh Pur](#), [Maryam Faraji Tark](#)

The Rulings and Effects of Permission in the Legal System of Iran and France - [Hasan Najjarha](#)

Comparison of the Actus Reus of the Crime of Computer Fraud with Traditional - [Ali Paidarfard](#), [Javad Naderi ooj Boghzi](#), [Ahmadreza Emtehani](#)

Theoretical Foundations of Military Weapons Equipment Control with an Emphasis on Contradictory Stands of UN and WTO on Conventional Military Weapons Trade - [Pouria Ebrahimzadeh](#), [Somayeh Rahmanian](#)

Child and Childhood from the Perspective of Philosophy and Literature - [Maryam SHA'ban](#)

Validity of Sealed Order in Civil and Criminal Cases - [Amir Mohammadi](#), [Mohammadmahdi Heydari](#), [Soheyla Moradi GHaleh](#)

The Status of the Kosovo Specialist Branches in Global Criminal Justice System - [Mostafa Fazaeli](#), [Arash Maleki](#)

Criminalization of Informing the Contrary in Iranian Law - [Saeed Asadzadeh](#), [Fatemeh Ahadi](#), [Mojtaba Kanjori](#)

The Actions of Foreign Companies Regarding Iraq's Use of Chemical Weapons in Holy Defense from the Perspective of International Responsibility Rights - [Mohammad Setayesh Pur](#), [Pamian Shafae](#)

Sociological and Criminological Review of the Phenomenon of Prostitution in the International System and Iran with Emphasis on the Teachings of Islamic Criminology - [Sayyed Mohammadreza Mousavifard](#), [Asad Akhzari Fard](#), [Ali Mardan Ahmadi](#)

The Police's Interaction with the Crime Prevention Institutions - [Mina Momeni](#), [Sayyed Mahdi Ahmadi Musavi](#)

Immigrant Children's Rights in National and International Documents - [Reza Khaje Nooredini](#), [Sayede Parisa Mirabi](#)

The Real Competency of Criminal Laws from the Perspective of Islamic Law - [Mostafa Karami Pour](#), [Mona Rajabzade Baghi](#)

Exploring the Shift from Physical to Cybercrime at the Onset of the COVID-19 Pandemic with an Approach to Routine Activity Theory - [Maryam Kamaei](#)

The Position of British Security Officers in the Detection of Crimes - [Zahra Vahabi](#), [Arash Razmi](#)

The Independence of Judges in the Legal System of the Islamic Republic of Iran in the Light of the Teachings of Islam - [Mohammad Setayesh Pur](#), [Fatemeh Zahra Aslan](#)

Legal Conditions and Legal and Criminal Dimensions of Intellectual Property in the Legal System of the Islamic Republic of Iran - [Somayeh Zilabi](#), [Sadeh Fetili](#), [Ebrahim Moghaddam](#)

Feasibility Study of the Realization of the Idea of Criminalization (Crime of Civil Liability of Managers) from Theory to Practice Based on the Approaches of the Model of Criminal Responsibility Model of the Law of Strategic Action to Cancel of Sanctions - [Sayyed Mohammadreza Mousavifard](#), [Hamidreza Norozian](#), [Nafiseh Dharovieh](#), [Mohammad Rasol Ansari Nia](#), [Neda Haghghi Jurisprudential-Legal Evaluation of the Real Multiplicity in the Hodood, Retaliation and Diat - Ali Mohammadi Jurkoye](#), [Ahmadreza Emtehani](#), [Javad Naderi ooj Boghzi](#)

The Position and Role of the People in the Establishment and Continuation of Ummat and Imamat System In the Light of Martyr Beheshti's Opinions - [Mohammad Sadeq Darivand](#)

Mediation, Participatory Justice System, Third Generation Criminal Justice System and the Rights of Parties the Lawsuit - [Sadeh Fetili](#), [Mohammad Fetili](#), [Ebrahim Moghaddam](#)